



تبیین جایگاه تربیتی عدالت سزا دهنده در نظام حقوق اسلام مبتنی بر منظومه فکری امام خمینی (ره)

دکتری فقه و حقوق اسلامی - پژوهشگر دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی
استان چهارمحال و بختیاری

دکتر هادی جعفریان

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

نمایه در SID، ISC، Noormags،
GoogleScholar، Ensani، Magiran
www.jaml.ir
سال سوم، شماره دوازدهم،
صفحات ۳۱-۱۹

چکیده:

پارادایم عدالت کیفری الگوی ریشه‌دار در نظام فقهی اسلام است که با رویکرد کنترل هوشمندانه جرایم و مجازات‌ها در درون اجتماعات بشری و به تبع آن وضع قوانین جزایی در پی تحقق و استخراج نظام جزایی مطلوب و کارآمد به منظور منکوب نمودن اعمال و رفتارهای مجرمانه می‌باشد؛ هدف: با عنایت هدف غایی تشریع مجازات (پیشگیری از وقوع جرم)، لذا بر مبنای سیر تحولات موجود در فرایند عدالت، هدف از نگارش این جستار، شناخت مفهوم و فلسفه تشریع عدالت کیفری ناظر بر سزادهی و نیز تبیین جایگاه تربیتی این موضوع در آموزه های فقهی و حقوقی اسلام خواهد بود. روش: این پژوهش از نوع اسنادی است و در راستای تحلیل نظر امام خمینی (ره) در خصوص فرایند عدالت کیفری مبتنی بر سزادهی، یافته ها با مراجعه به منابع اطلاعاتی در زمینه فقه جزایی و فلسفه مجازات در نظام حقوقی اسلام بر مبنای کرامت انسانی، سودمندی، اصلاح، تربیت و بازپروری مجرمین، گردآوری شده است.

نتیجه: در منظومه فکری امام (ره) مجازات مجرم در فرایند نگاه انسانی و کریمانه به وی و بر مبنای لطف و رحمت بر او به شمار می‌آید؛ از این حیث اساس مجازات نه تنها با کرامت انسانی او در تنافی نخواهد بود بلکه با هدف تربیت مجرم و در راستای اصلاح و بازاجتماعی کردن وی و زمینه سازی سعادت فرد و جامعه معمول می گردد.

واژگان کلیدی: عدالت سزا دهنده، تربیت، اصلاح، امام خمینی (ره).

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی



۱- مقدمه

بر مبنای آموزه های شریعت اسلام از جمله گرایش فطری در نهاد انسان «تمایل و گرایش به عدالت» است. بر اساس این گرایش، انسان همپای سایر تمایلات فطری مالک احساس و گرایشی نهادینه با عنوان عدالت خواهی و تمایل به وضع چارچوب مبانی عدالت در جوامع بشری است؛ با این وجود و در ضمن این بدیهه که انسان موجودی اجتماعی است؛ از جمله صفاتی که به ناگزیر از ضمیر افراد سرچشمه می گیرد، ویژگی خطاکاری انسان است؛ لذا به جهت دستیابی به منافع خویش نادیده و رهایی از محدودیت ها، در حقیقت مرتکب عمل ضد اجتماعی (بزه) یا به عبارتی اعمال مجرمانه می گردد. با نگاهی اجمالی به موضوع، هر اجتماعی با تثبیت پایه های انتظام عمومی خویش ناگزیر از تبیین اعمال نابه هنجاری است که این نظم عمومی را هدف هجمه خود قرار می دهند، لذا عاملین حاکمیت با توسل به ابزارهای سزادهنده و تهدید به اعمال مجازات های متعدد از دوران کهن به دنبال کاهش نرخ اقدامات زیان بار اجتماعی که در قالب جرم تجلی یافته بودند. با عنایت به این که جامعه اسلامی نیز همانند سایر جوامع به علت عادی و اجتماعی بودن پدیده مجرمانه و انفکاک ناپذیری آن از اجتماع با مساله جرم و بزهکاری مواجه بوده و ناگزیر از ارائه چارچوبی مشخص در جهت کنترل هدفمند آن می باشد (جعفری، ۱۳۹۲: ۲۰)، لذا نگاه تفصیلی به منابع و آموزه های نظام فقهی اسلام، بیانگر طراحی سیاست کیفری مطلوب و برگرفته از قوانین الهی می باشد؛ چارچوبی که درون مایه آن را دو اصل، تحقق قسط و عدل - همراه با توحید - شکل می دهد: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ ...» هر اینه فرستادگان خود را با نشانه های آشکار فرستادیم و همراه با آنان کتاب و میزان را نازل کردیم تا اینکه مردم به قسط قیام نمایند و آهن را فرو فرستادیم، [که] در آن سختی شدید و سودهایی برای مردم است... (حدید/ ۲۵).

تعبیر مفسرانه از این آیه، تبیین فلسفه بعثت پیامبران بر مبنای تحقق دو اصل اساسی «دعوت به توحید» و «قیام به عدل و قسط» خواهد بود. با این تحلیل، دعوت به توحید بیانگر قرار گرفتن کامل انسان در مدار عبودیت، ایجاد ارتباط با «الله» به عنوان منشأ و مبدأ تمام کمالات و در نهایت قیام به قسط و برپایی عدالت حاکی از برنامه کلی حیات بشر (نبیل به امت واحده "بقره ۲۱۳") می باشد. بنابراین دو منشأ مذکور حاوی کلیات مبانی اعتقادی و خط مشی

حیات مادی و معنوی انسان بوده و و در پرتو آن گرایش فطری انسان مبتنی بر تعالی و نبیل به کمال محقق خواهد شد.

با محوریت این کلام که اسلام برای تأسیس حکومت عدالت گستر برپا گشته است (بی آزار، ۱۳۸۶، ج ۴: ۸۳)؛ ضرورت حیات مسمت قسط و عدل به عنوان برداشت منطبق بر قواعد مسلم فقهی و شرعی مذهب اسلام به شماره رفته بدین نحو که مسلما امام خمینی (ره) به عنوان زمامدار حاکمیت اسلامی در زمان غیبت امام معصوم (ع) و یکی از پیروان سنت نبوی در میان ساست ها و دیدگاه های خویش اصول و قواعد دین اسلام را خط مشی خود قرار داده است؛ به گونه ای که در باب وظایف حاکمیت و استقرار عدالت در جامعه معتقد است که شیوه دادرسی می بایست به گونه ای باشد که احکام الهی در عرصه اجتماعی عینیت یافته و تبلور خارجی داشته باشند (امام خمینی، ۱۳۹۶، ج ۴: ۱۱۵)؛ لیکن تحلیل های متعدد ارائه شده در باب پارادایم عدالت کیفری ناظر بر سزادگی مجرم سبب گردیده که دیدگاه امام خمینی (ره) پیرامون الگوی عدالت سزادهنده در دو بخش به شرح فلسفه و ضرورت مجازات و اصول حاکم بر مجازات اسلامی از منظر ایشان مورد ارزیابی قرار گیرد.

فلسفه و ضرورت مجازات در اسلام از منظر امام خمینی (ره)

بر پایه مطالعات تحلیلی، وضع احکام اسلامی مبتنی بر مصالح و مفاسد است (نیکزاد، ۱۳۸۵: ۱۳۳)؛ چندان که اگر خداوند به چیزی امر فرمود که انجام پذیرد، به یقین در آن مصلحتی مبتنی بر «دفع ضرر دینی، دنیایی یا کسب نفع دینی یا دنیایی» نهفته است (قمی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۸۵)؛ و چنانچه از چیزی نهی نمود، بدین سبب است که در انجام آن مفسده ای دامن گیر شخص می شود؛ لذا پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «ای مردم، شما را از هر آنچه به بهشت نزدیک و از جهنم دور می سازد، امر کردم و از هر آنچه که شما را به آتش جهنم نزدیک و از بهشت دور می سازد نهی کردم» (حرعاملی، ۱۳۸۲: ج ۱۷، ص ۴۵)

در اسلام، همانند سایر ادیان الهی، مجازات بر اساس مصالحی تشریع گردیده است. همان گونه که در تورات به عوامل «ارعاب» و «بازدارندگی عمومی» به کرات اشاره شده است؛ در سفر تورات (تثنیه)، فصل ۱۳، آیه ۱۱ در بیان فلسفه مجازات مرگ و «بازدارندگی عمومی» به کرات اشاره شده است: تا تمامی اسرائیلیان



در عرصه مجازات، ظهور پیدا می‌کند از باب رحمتی الهی در انسان‌ها به ودیعت نهاده شده است. بر اساس نظریه امام راحل(ره)، مجازات سخت بدنی و حتی کشتن شخصی که مستحق کشتن است نیز، نشأت گرفته از همین رحمت الهی و در راستای تکریم انسان است(امام خمینی، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

لذا، با توجه به آنچه از امام راحل(ره) در فلسفه مجازات ذکر می‌شود، به خوبی جواب این اشکال که گفته شده است برخی از مجازات‌ها تحقیر مجرم است و با کرامت انسان‌ها هماهنگی ندارد، روشن می‌شود؛ زیرا طبق نظر حضرت امام، این مجازات‌ها سبب سعادت دنیوی و یا اخروی فرد و مفید به حال جامعه است و حتی ایشان، مجازات کافران را نیز به نفع آن‌ها می‌دانند(همان).

دیدگاه حضرت امام(ره) پیرامون فلسفه مجازات به طور کلی در چند مبحث قابل تبیین است: مباحثی که ناظر به رحمت حق تعالی به خود مجرم و مصلحت و سعادت او است و مباحثی که مصلحت جامعه در نظر گرفته شده است.

الف) تجلی رحمت الهی با رویکرد تربیت و اصلاح غیر مجرم

امام خمینی(ره)، با نگاه خاص خود به جریان رحمت الهی در همه امور عالم، تشریع و اعمال مجازات را سبب تحکیم نظام اجتماعی، بازدارندگی از وقوع جرایم مشابه و مصداق رحمت الهی قلمداد می‌نماید.

حفظ نظام اجتماعی از جمله مواردی است که در نوشته‌ها و سخنان حضرت امام(ره) در باب فلسفه مجازات دیده می‌شود، تجلی رحمت الهی در توجه به مصالح اجتماع و حفظ قوام آن است و به روشنی پیداست که سعادت همه افراد جامعه منوط به استواری و سعادت کل جامعه است؛ لذا در نظر گرفتن سعادت جامعه و پیروی از این خط مشی به نوعی تکریم آحاد جامعه و بر اساس مصالح آن‌ها است.

ایشان در تبیین این مسئله اذعان می‌نمایند؛ بدون اعمال مجازات، جرم به همه جامعه سرایت نموده و به فساد کشیده خواهد شد و رشته حیات فردی و اجتماعی از هم گسیخته می‌گردد.

بدان که رحمت و رأفت و عطوفت و امثال آن، که از جلوه‌های اسماء جمالیه الهیه است، خدای - تبارک و تعالی - به حیوان مطلقاً و به انسان بالخصوص، مرحمت فرموده، برای حفظ انواع

باشنوند و بترسند و بار دیگر چنین امر شنیع را در میان شما مرتکب نشوند.

در فصل ۱۹ از همین سفر، در تشریح اعمال مجازات برای شاهد دروغین آمده است: و این که بقیه مردمان بشنوند و بترسند و من بعد، مثل این اعمال شنیع را در میان شما مرتکب نشوند.

و در فصل ۲۱ از همین سفر در آیه ۲۱، درباره فلسفه اعمال مجازات سنگسار، برای فرد شرور و یاغی می‌گوید: تا تمامی اسرائیل بشنوند و بترسند.

با نگاهی به ادله تفصیلی در نظام فقهی، نحوه وضع و مجموعه قوانین جزایی و کیفری اسلام فلسفه تشریع مجازات تبیین می‌گردد

مجموع تعابیر موجود در نظام فقهی اسلام و نظریات امام خمینی(ره) در باب تبیین دیدگاه اسلام پیرامون فلسفه مجازات حاکی از آنست که اساس سزادهی و تشریع آن در اسلام، نشأت گرفته از نگاه تکریمی خداوند و در راستای نیل وی به سعادت و تعبد از مفاسد است(سلیمی زارع، ۱۳۸۶: ۷۱)، تا با قرار گرفتن در این خط مشی هدف دوسویه اصلاح و تربیت فردی، جامعه نیز در مسیر صحیح هدایت گردیده و از مفاسد مصون بماند.

همچنین مجموع بیانات امام خمینی(ره) بیانگر آنست که مبنای نظریه اسلام پیرامون تشریع و اعمال کیفر مبتنی بر فرضیه تک‌بعدی نبوده و به همه جوانب آن، نظر داشته است؛ لذا می‌توان دیدگاه اسلام را نظریه مختلطی نامید که به مجموع مصالح فردی، عمومی و اجتماعی عنایت دارد؛ از حیث مباحث پیرامون عدالت نیز هر دو جنبه نظم عمومی، احساسات و عواطف بزه‌دیده را در نظر گرفته است(امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶: ۲۱۷ و همان، ج ۷: ۳۱۴-۳۱۳). همچنین برای اثربخشی بهتر مجازات و اجرای درست آن، اختیار اجرا و یا عفو مجرم را بر عهده حاکم اسلامی قرار داده است تا بر اساس مصالح عمل کند چنانچه ائمه(ع) و امیر المومنین(ع) از اجرای حد در سرزمین دشمنان و مخالفان منع کردند. (حرعاملی، ۱۳۸۲، ج ۱۸: ۳۴۶).

اضافه بر آن، از ویژگی‌های دیدگاه امام راحل(ره) در فلسفه مجازات، نگاه عرفانی ایشان و بحث تجلی و ظهور رحمت حق تعالی در مجازات مجرم است که آن را از سایر نظریات، امتیاز بخشیده است. در این دیدگاه، دیگر مجازات و برخورد سخت و شدید با مجرم، با کرامت انسان در تنافی نمی‌باشد، بلکه حتی قوه غضب که



حقوق اسلام منحصر به این دنیا نمی‌شود، بلکه در برگزیده مصالح آخرت نیز خواهد بود، لذا اضافه گردیدن مصالح عالیّه اخروی، درجه جدیدی در باب فلسفه مجازات می‌گشاید؛ چرا که با معطوف نمودن پیش‌فرض‌های مسئله وجود خدا با طراحی اهداف و رای دنیای مادی می‌توان اذعان نمود؛ هدف وضع و اعمال مجازات‌ها تنها در تامین مصالح دنیوی خلاصه نخواهد شد، بلکه با علم به حیات پایدار اخروی، رعایت مصالح اخروی در اولویت قرار داشته و در فلسفه مجازات نیز مورد اهتمام خواهد بود. گفتنی است کلام مذکور منافاتی با اهمیت حیات دنیوی نخواهد داشت، چرا که با طرح مقدمه کلام مبتنی بر اناطه دستیابی به آخرت در پرتو حیات صحیح دنیوی، اهمیت آن به روشن می‌گردد.

امام خمینی(ره)، در تبیین فلسفه مجازات به این مطلب توجه و بر اساس آن، هدف بعثت انبیا و تشریع احکام را توجیه می‌نماید. ایشان با نگاهی که نشأت گرفته از ملاحظه مصلحت آخرت و برخاسته از نگاه عرفانی به عالم می‌باشد، همه عالم را ناشی از لطف و رحمت الهی می‌داند و بر این نکته تاکید می‌کنند که در همه موارد، باید از درجه لطف و رحمت نگاه کرد و همواره آن را در نظر داشت و با چشم عنایت و تطفّل به بندگان خدا نظر کرد و خیر و صلاح همه را طالب بود؛ زیرا حق - تعالی شأنه - در جمیع امور، با مخلوق خود با رفق و مدارا رفتار می‌کند، حتی تشریع شریعت نیز برخاسته از صفت رحمت الهی است و این نظر، نظر انبیاء عظام و اولیاء کمال علیهم السلام است؛ منتهی ایشان دو نظر دارند: یکی نظر به سعادت جامعه و نظام عالیّه و مدینه فاضله، و دیگر، نظر به سعادت شخص و آن‌ها هر دو را در نظر داشته و علاقه کامل به این دو سعادت دارند و قوانین الهیه که به دست آن‌ها تأسیس و انفاذ و کشف و اجرا می‌شود، این دو سعادت را کاملاً مراعات می‌نماید(انصاریان، ۱۳۸۴: ۹۴-۹۳). پس، از این منظر مجازات نیز به نوعی تکریم مجرم و در راستای مصلحت او است.

امام راحل(ره) در تبیین این دیدگاه تصریح می‌کنند؛ حتی در اجرای قصاص و حدود و تعزیرات و امثال آن، که به نظر می‌رسد با ملاحظه نظام مدینه فاضله تأسیس و تقنین شده است، هر دو سعادت منظور است؛ زیرا که این امور با نگاهی غالب، برای تربیت جانی و نیل وی به سعادت دخالت تام دارد؛ حتی کسانی که نور ایمان و سعادت ندارند و آن‌ها را با جهاد و امثال آن به قتل می‌رسانند - مثل یهود بنی‌قریظه - برای خود آن‌ها نیز این قتل صلاح و اصلاح بود، و می‌توان گفت از رحمت کامله نبی ختمی، قتل آن‌ها است؛ زیرا که با بودن آن‌ها در این عالم در هر روزی برای خود

حیوانیه و حفظ نوع و نظام عالیّه انسانی. و این جلوه[ای] از رحمت رحمانیه است که نظام عالم وجود، مطلقاً بر پایه آن نهاده شده. و اگر این رحمت و عطف در حیوان و انسان نبود، رشته حیات فردی و اجتماعی گسیخته می‌شد...، بلکه نزول وحی الهی و کتاب شریف آسمانی، صورت رحمت و رأفت الهیه است در عالم ملک، بلکه تمام حدود و تعزیرات و قصاص و امثال آن، حقیقت رحمت و رأفت است که در صورت غضب و انتقام جلوه نموده: (وَ الْكَفْمُ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ)، بلکه جهنم رحمتی است در صورت غضب برای کسانی که لیاقت رسیدن به سعادت دارند(امام خمینی، ۱۳۹۲: ۲۳۴-۲۳۲).

ایشان در ادامه همین مطلب می‌فرمایند: از این جهت، عنایت ازلیّه الهیه و رحمت کامله رحمانیه اقتضاء نمود که در حیوان مطلقاً، و در انسان بالخصوص، این قوه شریفه غضبیه را قرار دهد که حیوان و انسان - بما هو حیوان -، دفع موزیات خارجی و داخلی فردی خود کند، و انسان، بالخصوص، دفع و رفع مفسدات و مخالات نظام عالیّه و نظام جامعه و مدینه فاضله نماید. دفاع و ذبّ از هتک از عائله، و سدّ ثغور و حدود مملکت، و حفظ نظام ملت و بقای قومیت، و نگهداری از تهاجم اشرار به مدینه فاضله، و جهاد با اعداء انسانیت و دیانت صورت پیدا نکند، مگر در سایه این قوه خداداد و این تحفه آسمانی که به دست حق تعالی - جلّ و علا - در خمیره انسان مخمّر شده و به ودیعت نهاده شده. اجرای حدود و تعزیرات و سیاست الهیه که حفظ نظام عالم کند، در پرتو این قدرت و قوه الهیه است(همان: ۲۴۱).

ایشان اجرای حدود الهی را همانند طبابت پزشکان در جهت تأمین سعادت جامعه می‌بینند و می‌گویند: یک حدّ از حدود الهی، وقتی که واقع بشود، یک جامعه اصلاح شده و اثرات تربیتی آن قابل مشاهده است. اگر چهار تا دزد را دستش ببرند در مجمع عمومی، دزدی تمام می‌شود. اگر چهار تا آدمی که به فحشا مبتلاست آن را شلاق بزنند، در جامعه، فحشا از بین می‌رود. این همان غده سرطان است که طبیب برای حفظ یک انسان، ناچار است که این غده را بیرون بیاورد. گاهی چاقو بر می‌دارد چشم آدم را بیرون می‌آورد، رحمت است، این حفظ است(امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷: ۲۲۸-۲۲۷).

ب) رعایت مصلحت مجرم

تامل در فلسفه تشریع مجازات با نگاهی عمیق و در نظر گرفتن اطلاق زمان میسر است به عبارتی، چرایی وضع مجازات‌ها در نظام



این آدم و هم راحت بشود امت، حدود و تعزیرات وضع شد(امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹: ۸۴).

با ملاحظه نظام مدینه فاضله(برگرفته از منظومه فکری امام راحل "ره")، نقش تربیتی مذکور در مورد قصاص، حدود و تعزیرات و امثال تأسیس و تقنین شده و هر دو سعادت تربیت مجرم و نیل او به سعادت منظور خواهد بود.

این حدود، همان طوری که تربیت می کند اشخاص را، ملت را هم می رساند به جایی که این طور فسادها در او کم بشود. اگر چنانچه که یک حدی جاری بشود، این حدی که جاری می شود، هم تربیت می کند آن کسی که حد خورده است و هم برای ملت خوب است(همان، ج ۱۹: ۱۹۳).

در همین راستا، ایشان به مسئولین خطاب می نمایند: زندان ها را به یک مدرسه آموزش و تربیت اخلاقی مبدل کنید، چنانچه تا کنون عمل کرده اید تا منحرفان و گناهکاران شیرینی عدالت اسلامی را بچشند و به اسلام و نظام اسلامی رو آورند و از روی حقیقت، توبه کنند و بازگشت به اسلام و خدای متعال نمایند که باب رحمت، گناهکاران را بهتر جذب می کند. البته، اصلاح و تربیت تا جایی است که فرد مرتکب گناهی نشود که دیگر شایستگی حیات را نداشته باشد و قابلیت تربیت را از دست دهد که در این صورت، مجازات و حدود الهی بدون سهل انگاری اجرا می شود. این مجازات نیز همان طور که گفته شد، خود نوعی رحمت بر شخص است و سبب می شود که مجرم، موجبات عذاب بیش تر خود را فراهم نیاورد(همان، ج ۱۸: ۲۳۷).

د) تربیت در پرتو عبرت آموزی و بازدارندگی از وقوع

جرم

از جمله مواردی که در منابع دینی و اندیشه های امام راحل(ره) در تبیین زوایای دیگر فلسفه مجازات به چشم می آید، اثر بازدارندگی و پیشگیری از جرائم در جامعه تلقی می گردد. با نگاهی به منابع فقهی از دیگر کارکرد های اعمال مجازات، پیشگیری از تکرار جرم توسط مجرمین و نیز بازداشتن افراد جامعه از بروز جرائم مشابه می باشد؛ لذا نتیجه تطبیق این کارکرد مجازات با عبارات موجود در منابع فقهی، به کار بردن تعبیر عبرت آموزی است؛ با این وصف، اعمال مجازات بر مجرم، علاوه بر عبرتی که برای خود شخص به دنبال خواهد داشت (بازدارندگی خاص) برای دیگران نیز حائز اهمیت است(بازدارندگی عام)؛ چرا که بیم از مجازات، دلالت عقلی

عذاب های گوناگون تهیه می کردند، که تمام حیات این جا به یک روز عذاب و سختی های آن جا مقابله نکند. و این مطلب برای کسانی که میزان عذاب و عقاب آخرت و اسباب و مسببات آن جا را می دانند، پر واضح است. پس، شمشیری که به گردن یهود بنی قریظه و امثال آن ها زده می شد، به افق رحمت نزدیک تر بوده و هست تا به افق غضب و سخط. و باب امر به معروف و نهی از منکر [نیز] از وجهه رحمت رحیمیه است(امام خمینی، ۱۳۹۴: ۲۳۷-۲۳۶).

همچنین در جای دیگری می فرمایند: تشریع شرایع عین رفق است. چنانچه تأدیب طاغیان و جعل حدود و تعزیرات، کمال رفق و صلاح است؛ همان گونه که ترک آن، خرق و فساد است(امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶: ۱۱۱).

ب) تکفیر گناه، تربیت و اصلاح مجرم

فلسفه دیگر مجازات که ریشه در مباحث کلام اسلامی دارد؛ محوشدن گناهان یا اثر آنها در قیامت بر اثر تحمل مجازات و نیز تربیت و پیراستگی مجرم است. در این باره زراره از حرمان نقل می کند که
سألت أبا جعفر(ع) عن رجل أقيم عليه الحد في الدنيا أيعاقب في الآخرة؟ فقال(ع): «الله أكرم من ذلك»(حرعاملی، ۱۳۸۲، ج ۱۸: ح ۱)؛ از امام باقر(ع) درباره کسی که در دنیا بر او حد جاری می شود، سؤال کردم که آیا باز هم در آخرت عذاب می شود؟ امام پاسخ فرمود: «خداوند کریم تر از آن است (که دوباره او را در آخرت عذاب کند)».

امام راحل(ره) پیرو همین نگاه، عذاب الهی را حتی در حیات اخروی موجب تکفیر گناهان و نجات از آن معرفی می کند: رحمت و رأفت الهیه است در عالم ملک، بلکه تمام حدود و تعزیرات و قصاص و امثال آن، حقیقت رحمت و رأفت است که در صورت غضب و انتقام جلوه نموده(امام خمینی، ۱۳۸۸: ۲۷۴)؛ «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ»(بقره: ۱۷۹) بلکه جهنم رحمتی است در صورت غضب، برای کسانی که لیاقت رسیدن به سعادت دارند؛ اگر تخلیصاتی و تطهیراتی که در جهنم می شود، نبود، هرگز روی سعادت را آن اشخاص نمی دیدند(امام خمینی، ۱۳۹۲: ۲۸۹).

گفتنی است از جمله مواردی که در فلسفه مجازات مورد تصریح امام راحل(ره) قرار گرفته است، نقش تربیتی مجازات است که با رویکرد تکریم مجرم نقش مؤثری در بازپروری و اصلاح وی خواهد داشت. ایشان در این باره می فرمایند: برای این که هم تربیت بشود



در راستای تحلیل این بحث، اگر عدالت، با مفهوم مضیق تحت عنوان "سزادهی" تبیین گردد؛ این فرض که سزا و مجازات، عامل بازدارنده از ارتکاب جرم است، مبتنی بر تفکر کلاسیک محسوب خواهد شد که برخی آن را به افلاطون نسبت داده اند؛ زیرا افلاطون معتقد بود هر گناهکاری که کیفر می بیند، یا خود از آن کیفر سود می برد و بهتر می شود و یا آنکه مایه عبرت دیگران می شود؛ لذا اگر عقاید طرفداران این نظریه را چکیده ای از نهاد قانونی مجازات، تحت عنوان «بازدارندگی» بدانیم، علت مجازات به ترتیب زیر قابل توجیه خواهد بود:

نخست: مجازات فی نفسه پسندیده نیست و از آن جهت مورد توجه قرار می گیرد که نتیجه آن باعث کاهش جرم خواهد شد. بنابراین، کاهش جرم، کارکرد نهایی مجازات است.

دوم: مجازات، تنها وسیله رسیدن به این مقصود است و این نظریه آشکارا بر پایه ی تجربه بنا شده است (نجفی توانا، ۱۳۹۰: ۱۸۱). لیکن چنانچه مفهوم عدالت فراتر از معنای سزادهی در نظر گرفته شده و اعمال مجازات و سزا، مصداقی بارز و نمایان از برقراری عدالت اخذ گردد؛ در این صورت اهداف مجازات از قبیل بازدارندگی، اصلاح و تربیت، حفظ نظم اجتماعی و... هرکدام به نوعی در پی برقراری تعادل و توازن فردی یا گروهی، تجلی مفهوم عدالت و قرار گرفتن همه چیز در جایگاه حقیقی خویش هستند.

مبانی فقهی در این زمینه اشعار می دارد: هدف سزادهی، جایگاهی ویژه در فلسفه و چرایی اعمال مجازات دارد، که مبتنی بر ارتکاب کردار و اعمال گذشته انسان ها است؛ افعالی که از نظر خداوند گناه و جرم به شمار می رود (هادوی و معتضدی، ۱۳۸۹: ۷۴). بسیاری از آیات با اشاره به عذاب های اخروی و عذاب های دنیوی که بر مجرمان اعمال می شوند، این گونه مجازات ها را به خاطر ارتکاب کردار، رفتار و اعمال مجرمانه شخص در گذشته می داند "اما ثمود را هدایت کردیم، ولی آنها نایبانی را بر هدایت ترجیح دادند؛ به همین جهت صاعقه آن عذاب خوارکننده به خاطر اعمالی که انجام می دادند آنها را فروگرفت!" (فصلت/۱۷)؛ خواه این گونه مجازات ها از نوع مجازات های تکوینی یا اخروی باشد که به وسیله غیر انسان (خداوند یا واسطه های ماوراء) اجرا می شود؛ و آنها که اعمال بدی انجام دهند، به صورت در آتش افکنده می شوند؛ آیا جزایی جز آنچه عمل می کردید خواهید داشت؟! (نمل/۹۰) و خواه از نوع مجازات های تشریعی - طبیعی او باشد که به وسیله خود انسان ها (حکومت های دینی یا مجریان آن ها) بر شخص مجرم

بر پرهیز از گناه و جرائم مشابه خواهد داشت. به طور کلی، قرآن به هر دو جنبه بازدارندگی عام "ولی امروز، بدنت را (از آب) نجات می دهیم، تا عبرتی برای آیندگان باشی! و بسیاری از مردم، از آیات ما غافلند!" (یونس/۹۲) و بازدارندگی خاص "فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده اند آشکار شده است؛ خدا می خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (بسوی حق) بازگردند!" (روم، ۴/۴) توجه فراوانی دارد و با به کارگیری اسلوب ها و شیوه های گفتاری در آیات مختلف، درصدد دستیابی به این هدف است.

در همین راستا امام خمینی (ره) تأکید دارد که اگر شخص مجرم، مجازات نشود، فساد به همه اجزای جامعه سرایت نموده و بتدریج رواج خواهد یافت؛ و در نهایت کل جامعه مدنی را دربر خواهد گرفت؛ در نتیجه تجلی رحمت الهی از طریق اعمال مجازات از یکسو سبب بازدارندگی عام دیگران و از سوی دیگر موجب بازدارندگی خاص شخص مجرم خواهد شد.

اگر قاتل را نکشند، قتل زیاد می شود و در قصاص، زندگی است. اگر ما در قصاص را ببندیم، هر کسی بکشد، کارش نداشت به باشیم، قتل زیاد می شود، زندگی مردم از بین می رود، هر کس دلش خواست هر کس را می کشد. قصاص برای این است که زندگی بشر تأمین بشود، تربیت است، برای مصلحت جامعه است، تمام حدود، برای مصلحت جامعه است. اگر آن آدمی که فلان کار را می کند و در شرع فلان جزا را قرار داده اند، اگر این جزا نباشد، امثالش زیاد می شود (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۱۷۷-۱۷۶).

بر مبنای اندیشه امام راحل، وجود پاره ای از مشکلات در جامعه، ناظر بر مهیا نشدن بسترهای لازم برای اجرای درست و فراگیر حدود اسلامی است؛ لذا به صراحت بیان می کنند که با اجرای دقیق مجازات اسلامی، صلاح جامعه تأمین می شود؛ تنها اگر به قانون قصاص و دیات و حدود اسلام یک سال عمل شود، تخم بیدادگری ها و دزدی ها و بی عفتی های خانمانسوز از کشور برچیده می شود (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۲۷۴).

۵) تحقق عدالت با رویکر تربیتی

فلسفه دیگر تشریع و اعمال مجازات، اثر بخشی در تحقق عدالت است. گفتنی است؛ فرض عدالت در جایی مطرح خواهد بود که شارع در اعمال مجازات، علاوه بر مصلحت خود مجرم، صلاح صاحب حق و مراتب احقاق حق وی را نیز مد نظر قرار دهد.



صدق، ۱۳۸۹، ج ۲: ۹۵؛ علت قطع کردن دست راست دزد این است که او با این دست خود اشیا را می‌گیرد و دست جزء بهترین و نافع‌ترین اعضای او می‌باشد، پس قطع دست او عقوبت و مایه عبرت مردم است، تا در پی تحصیل مال از راه حرام نباشند؛ همچنین اکثر سرقته‌ها با دست راست انجام می‌شود.

مبانی استنباطی از این روایت حاکی از تناسب مجازات قطع دست با جرم سرقه است. امام خمینی (ره) نیز در نقد قوانین بشری و مجازاتی که از طرف بشر وضع می‌گردد؛ عدم تناسب جرم و مجازات را مورد اشار قرار می‌دهند. ایشان در پاسخ به طرح اشکالات مبنی بر خشونت و سختی مجازات در نظام حقوقی اسلام، می‌فرمایند: من تعجب می‌کنم، این‌ها چگونه فکر می‌کنند! از طرفی اگر برای ده گرم هرویین چندین نفر را بکشند، می‌گویند قانون است! وقتی این قوانین خلاف انسانی جعل می‌شود، به نام این‌که می‌خواهند جلو فساد را بگیرند، خشونت ندارد! من نمی‌گویم هرویین بفروشند، لکن مجازاتش این نیست. باید جلوگیری شود، اما مجازاتش باید متناسب با آن باشد. اگر شارب‌الخمر را هشتاد تازیانه بزنند، خشونت دارد، اما اگر کسی را برای ده گرم هرویین اعدام کنند، خشونت ندارد! در صورتی‌که بسیاری از این مفاسد که در جامعه پیدا شده، از شرب خمر است (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۱۰).

همچنین از حیث اثربخشی بهتر مجازات اسلامی بر کاهش و پیشگیری از وقوع جرایم، تأکید نموده و می‌فرمایند: دزدها را می‌گرفتند و می‌بردند توی حبس، آن‌جا تعلیم دزدی می‌کردند... اگر چهار تا دزدی که روی موازینی که البته هست، بگیرند و جزای آن‌ها بدهند، دست دزدی از ایران، بلکه از عالم قطع می‌شود. چهار نفر دزد را به آن طوری که شارع فرموده است امر می‌کند که باید این‌که این جرم را کرده است، این حد را هم بخورد، این برای این است که مصلحت بشر را دارد ملاحظه می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۱۷۶-۱۷۷).

اصل دوم: توجه به هدف مجازات و انعطاف در اجرا

بر اساس مبانی فقه جزایی اسلام، صرف اجرای مجازات هدف نیست، بلکه شارع با هدف اصلاح امور، خط مشی جزا را وضع نموده است. با عنایت به این که در فلسفه مجازات، مصلحت فرد و جامعه مد نظر است؛ لذا، در برخی موارد نوع و کیفیت مجازات منوط به صلاحدید مقام قضایی گذاشته شده است؛ حتی در برخی موارد، برای جرمی مانند محاربه چند روش جزایی در نظر گرفته شده است که طبق تصریح امام راحل (ره)، قول قوی‌تر در حد محارب، اختیار

اجرا می‌شود و یا مجری آن خود شخص مجرم است؛ "ماہ حرام، در برابر ماہ حرام! (اگر دشمنان، احترام آن را شکستند، و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید). و تمام حرامها، (قابل) قصاص است. و (به طور کلی) هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید! و از خدا بپرهیزید (و زیاده روی ننمایید)! و بدانید خدا با پرهیزکاران است!" (بقره/۱۹۴)

امام خمینی (ره) نه تنها در مورد احکام حدود و دیات، بلکه هدف از تشریع و اجرای همه احکام اسلامی را در راستای تحقق عدالت می‌داند و در این باره می‌فرماید: لکن اسلام به قانون نظر «آلی» دارد، یعنی، آن را آلت و وسیله تحقق عدالت در جامعه می‌داند، وسیله اصلاح و تربیت اعتقادی و اخلاقی و تهذیب انسان می‌داند. قانون برای اجرا و برقرار شدن نظم اجتماعی عادلانه به منظور پرورش انسان مذهب است. وظیفه مهم پیغمبران اجرای احکام بوده، و قضیه نظارت و حکومت مطرح بوده است (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۸۲). ایشان در موارد متعددی از احکام و حدود اسلامی به عدالت اشاره نموده و در همین راستا، اهم وظایف قضات، بلکه همه دستگاه‌ها را "عدالت خواهی" و "عدالت گستری" می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۲۷). لذا از مجموع مطالب پیش گفته به دست می‌آید که یکی از اهداف تشریع و اعمال احکام خاصه مجازات اسلامی، تحقق عدالت در جامعه است.

چارچوب نظری پژوهش

پس از فحص پیرامون تبیین فلسفه تشریع مجازات با نگاه به آموزه‌های تربیتی و تبیین اندیشه‌های امام راحل (ره)، تحقق اهداف یاد شده در پرتو فرایند سزادهی، منوط به وضع چارچوبی از اصول حاکم بر اعمال و اجرای مجازات اسلامی است؛ ضرورت تبیین این اصول با عنایت به مباحثی از قبیل: عینیت یافتن رحمت الهی در پرتو اصلاح و تربیت مجرمین، بازپروری و بازاجتماعی شدن ایشان و نقش تربیتی اعمال مجازات برای آحاد جامعه موضوعیت خواهد یافت.

اصل اول: تناسب بین مجازات و جرم

در تناسب مجازات با جرم ارتكابی در اسلام، محمد بن سنان از امام رضا (ع) نقل می‌کند که فرمود: وعلّة قطع الیمین من السارق لأنّه یبأشر الأشياء بیمینه، و هی أفضل أعضائه و أنفعها له، فجعل قطعها نکالا و عبرة للخلق، لئلا یبتغوا أخذ الأموال من غیر حلها، و لأنّه أكثر ما یبأشر السرقة بیمینه (شیخ



نخواهد بود، لذا همان گونه که به جهت رعایت مصلحت اجتماع، اصل مجازات مجرم وضع گردیده است؛ جعل حق شرعی و قانونی مجرم مبنی بر حفظ شخصیت وی ضرورت خواهد یافت. بر همین اساس، امام راحل(ره) به طور مکرر توصیه نمود که در هنگام دستگیری متهم، اجرای حدود و در زندان‌ها با مجرمین با عطف و احترام برخورد شود. ایشان در این باره می‌فرمایند: آن کس که مستحق حدود الهی است، از قتل و دیگر جزاها، باید از عطف مأمورین تا پای دار و محل مجازات برخوردار باشد(امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸: ۲۳۷).

و همچنین در جای دیگری تأکید می‌کند: همه باید بدانیم که مجرمی که بالاترین جرم را دارد و به سوی چوبه دار می‌رود، جز اجرای حد شرعی، احدی حق آزار او را لفظاً و عملاً، ندارد و مرتکب، خود ظالم است و مستحق کیفر(همان: ۴۶۷-۴۶۶). مطلب فوق حاکی از اندیشه صریح امام پیرامون دفاع از حق مجرم می‌باشد. گفتنی است، تبعات ناشی از اعمال پاره از مجازات‌ها که به تناسب جرم ارتكابی و یا اشتباه مجرم موجب تخطئه شخصیت وی می‌گردد؛ منافاتی با اصل پیش گفته نخواهد داشت چرا که از حیث جرم موقوعه، این گونه مجازات‌ها بر اساس مصالح اجتماعی و با هدف پیشگیری از وقوع جرائم مشابه در آتی صورت می‌گیرد؛ و از سوی دیگر مجازات مقرر با هدف لطمه زدن به شهرت مجرم حرفه‌ای و افشای ماهیت وی معمول گردیده که خود خطری به بزه‌کاران بالقوه بوده و می‌تواند فرصت بزه‌کاری ایشان را کاهش دهد.

اصل چهارم: عدم اصرار بر اثبات جرم

در راستای تبیین این اصل، امام راحل(ره) خطاب به دادستان‌ها و حاکمان شرع، این نکته را گوشزد می‌کنند که در اسلام اصراری بر کشف و اثبات جرایم فردی و خصوصی نیست. ایشان این امر را گامی در راستای حفظ کرامت و آبروی اشخاص و موجب سلامت جامعه معرفی نموده و در این باره می‌فرمایند: خدای تبارک و تعالی خواسته که این امور زود کشف نشود. هم حفظ حیثیت اشخاص بشود ولو به حسب واقع گناهکارند و هم حفظ جهات در جامعه بشود یا اگر اقرار بکند، یک دفعه اقرارش را اعتنا نکنند؛ نصیحتش کنند، به او بگویند اگر این ثابت بشود تو چه خواهی شد، تو رجم خواهی شد، تو مقتول خواهی شد؛ بعد مهلت به او بدهند. ثانیاً اگر آمد و اقرار کرد، باز ثانیاً توصیه به او بکنند که نکن؛ این کار درست نیست. و اگر در بار چهارم آمد اقرار کرد، آن وقت این است که حد بزند. آن هم حاکم شرع، مجتهد

حاکم بین قتل، به دار آویختن، قطع به طور مخالف و نفی بلد است. و بعید نیست که برای حاکم بهتر باشد که جنایت را ملاحظه کند و آنچه مناسب است را اختیار کند. پس اگر کشته است قتل یا صلب را اختیار کند، و اگر مال را برداشته است، قطع را اختیار نماید، و اگر فقط شمشیر کشیده و ترسانده، نفی بلد را اختیار نماید(امام خمینی، ۱۳۹۶، ج ۱ و ۲: ۸۹۰). گفتنی است؛ مفهوم مصلحت، گستره وسیعی در عرصه‌های مختلف حقوق اسلامی و فقه جزایی دارد و از عرصه قانون گذاری تا مرحله تفسیر و نیز تطبیق آن بر مصادیق و همچنین مرحله اجرا کاربرد دارد؛ از همین رو مصلحت، در وضع قوانین کیفری، محدود به احکام ثانوی یا حکومتی نیست بلکه شامل احکام اولیه شرعی نیز می‌گردد. با این بیان حاکم اسلامی در مقام جرم زدایی و کیفر زدایی نسبت به مجازات مرتکب جرم حدی (حقوق الهی)، زمانی که با مصلحت حداکثری عموم مسلمین مغایرت داشته باشد در صورت تشخیص مصلحت می‌تواند مجازات وی را عفو و یا تخفیف دهد و به عبارتی مجازات حدی را به تعزیری تبدیل نموده و اصلاً اجرا نکند(پیرحیاتی، ۱۳۹۳: ۱۵۳).

در همین راستا امام راحل(ره) در پاسخ به سؤالی مبنی بر عفو جاسوسان امریکایی، می‌گویند: مذهب اسلام عفو دارد، در موقعش گذشت‌های زیادی دارد، در موقعش برای مجرم‌هایی که جرمشان ثابت بشود، حدود دارد، از آن طرف عفو دارد، از آن طرف برای مجرم در قوانین اسلام حد قرار داده شده است و جزا قرار داده شده است. بنابراین، این‌ها اگر چنانچه مجرم باشند و جرمشان ثابت باشد، به حسب اسلام جزا برایشان هست، لکن بر ولی امر است که در بعضی وقت‌ها که صلاح کی داند، عفو بکند. وجود عفو، خود گام دیگری در تحقق عامل تربیت و تحول در مجرم است که همواره امید دارد که اگر از عمل خود پشیمان گردد و ندامت در گفتار و کردار او هویدا شود، تخفیفی در مجازات او داده خواهد شد(امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۱: ۱۴۹).

اصل سوم: حفظ شخصیت مجرم در مجازات‌های اسلامی

از دیگر اصول اجرای احکام کیفری در نظام حقوقی اسلام که بر مبنای حفظ شخصیت و کرامت انسانی وضع گردیده است، عدم تعرض به شخصیت مجرم در زمان اعمال مجازات است. مجرم به فراخور جرمی که مرتکب شده، مستحق مجازاتی است که به صلاح وی و جامعه می‌باشد؛ لیکن به صرف این که شخص مرتکب جرم شده است؛ اضافه بر حد و تعزیر شرعی، هرگونه توهین به او جایز



افراد این نحوه امور خلاف اخلاق اسلامی و خلاف شرع مطهر، ممنوع شود (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۱۴۵).

اصل پنجم: عدم تخطی از حدود الهی

بنابر تصریح منابع فقهی اسلام، مقدمه نظم عمومی در جامعه، ترسیم خط مشی و حدودی است که از ناحیه شارع مقدس وضع شده و می بایست در جای خود اعمال گردند. در همین باره قرآن کریم می فرماید: تلک حدود الله فلا تعتدوها و من يتعد حدود الله فأولئك هم الظالمون (بقره/۲۲۹)؛ اینها حدود و مرزهای الهی است؛ از آن تجاوز نکنید. هر کس از آن تجاوز کند، ستمگر است. این آیه، پس از بیان حکم طلاق و احکام مربوط به آن، ذکر شده است و در برخی روایات بر حد شلاق بر زناکار و این که بیش از مقدار مقرر نزنند، تطبیق شده است. همچنین چندین روایت در باب حدود و تعزیرات وجود دارد که در آنها آمده است: إن الله قد جعل لكل شي حداً و جعل لمن تعدى ذلك الحد حد (مجلسی، ۱۳۸۳، ج ۷۹: ۴۳)؛ به درستی که خداوند برای هر چیز حدی را معین کرده است و برای کسی که از آن تخطی کند نیز، حد و مجازاتی معین فرموده است. امام راحل (ره) پیرو همین آموزه های دینی در فرمان هشت ماده ای زمانی که جواز ورود به مراکز توطئه بر علیه نظام را به ضابطین قضایی می دهد، در عین حال تصریح می کند که باید بر اساس قانون عمل شود و تعدی از حدود شرعیه حتی نسبت به توطئه گران جایز نیست. ایشان در ادامه همین فرمان مجدداً تأکید می نمایند: هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است، عمل نماید و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی، ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می باشد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۱۰۶).

ایشان در جای دیگری نیز بر این نکته تأکید می کنند و می گویند: به تمام اعضای کمیته ها و زندانبان ها حکم می کند که با زندانیان هر که باشد، به طور انسانیت و اسلامیت رفتار کنند و از آزار و مضیقه و رفتار خشن و گفتار ناهنجار خودداری کنند که در اسلام و حکومت عدل اسلامی، این امور ممنوع و محکوم است. همچنین در جای دیگری می فرمایند: اگر مجریان خواستند احکام قضایی را اجرا کنند و مثلاً حدود را جاری نمایند، از مرز قانون باید تجاوز نکنند. یک شلاق بیش تر [از حد شرعی] نزنند و اهانت ننمایند (همان، ج ۱۸: ۲۳۷).

عادل . (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۹: ۱۸۶). همان گونه که اصبح بن نباته نقل می کند که در محضر حضرت امیرالمومنین علی (ع) شخصی آمد و اقرار به زنا کرد. امام (ع) به او فرمود: همان طور که خدا بر اعمال تو ستر و پوشش قرار داده، شما نیز گناهان خود را بپوشانید. شخص گفت: می خواهم از آلودگی گناه پاک شوم. امام (ع) پاسخ فرمود: چه طهارتی بالاتر از توبه. سپس امام به او توجه نکرد و شروع کرد با اصحاب خود به سخن گفتن. باز شخص شروع کرد به اصرار بر اقامه حد برخورد و هر بار امام (ع)، در برابر او راه فراری می گذارد تا شخص منصرف شود و کار به اثبات شرعی این گناه و اجرای حد نرسد (مجلسی، ۱۳۸۳، ج ۷۹: ۳۶). از جمله قواعد مستنبط از ادله نقلی، قاعده درء، مبتنی بر اصل برائت است. بر مبنای این قاعده، با وجود شبهه، اجرای حد منتفی خواهد بود و اصل بر برائت متهم است لذا کسی مجرم شناخته نخواهد شد، مگر این که دلایل کافی بر این موضوع موجود باشد.

در این راستا امام راحل (ره) در فرمان هشت ماده ای تأکید می کند که: هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن ها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شوند بگذارند و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۱۰۶). با فحص در اندیشه امام راحل (ره) حکم عدم جواز کشف جرائمی که افراد در حریم خصوصی مرتکب می گردند، استنباط می گردد؛ ضمن اینکه ایشان عمل مورد نظر را جرم و گناه دانسته و برخی از آن ها را مصداق اشاعة فحشا (نور/۱۹) به حساب دانسته و از کبائر بسیار بزرگ قلمداد نموده و مرتکب آن را مستحق مجازات، تعزیر و یا حد شرعی می دانند.

ایشان در جای دیگری در نحوه گزینش افراد نیز همین تذکر را می دهند و در فرمانی به ستاد پیگیری تخلفات قضایی و اداری می آورند: تجسس از احوال اشخاص در غیر مفسدین و گروه های خرابکار، مطلقاً ممنوع است و سؤال از افراد به این که چند معصیت نمودی، چنانچه بنا به بعضی گزارشات این نحوه سؤالات می شود، مخالف اسلام و تجسس کننده، معصیت کار است. باید در گزینش



نتیجه گیری:

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

۷- منابع

- قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی "شیخ صدوق" (۱۳۸۹). عیون اخبار الرضا(ع)، ترجمه محمد صالح قزوینی، قم: مسجد مقدس جمکران.

- انصاریان، حسین (۱۳۸۴). جلوه های رحمت الهی، قم: دارالعرفان.

- بی آزار، عبدالکریم (۱۳۸۶). رساله نوین: احکام و موضوعات حقوقی: ترجمه بخشهایی از کتاب البیع و تحریرالوسیله امام خمینی (ره)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- پیر حیاتی، حمیده (۱۳۹۳). جایگاه قاعده مصلحت در حقوق کیفری ایران، فینامه قضاوت، سال ۲۱، شماره ۸۱.

- جعفری، فریدون (۱۳۹۲). عدالت کیفری از دیدگاه علوی، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال اول، شماره ۴، صص ۳۲-۲۰.

- حر عاملی، محمد بن حسن بن علی. (۱۴۰۹ق) (نقصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام. چاپ اول.

- خمینی، روح الله (۱۳۹۲). معاد از دیدگاه امام خمینی (ره)، تدوین فروغ السادات رحیم پور. چاپ ششم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۸)، کشف الاسرار، چاپ اول، لوس آنجلس: شرکت کتاب.

- خمینی، سید روح الله (۱۳۹۲)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، چاپ پانزدهم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- خمینی، سید روح الله (۱۳۹۴)، آداب الصلاه، چاپ هشتم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج.

درک صحیح فلسفه مجازات‌ها در منابع حقوقی اسلام، تأثیر مهمی در تفسیر قواعد حقوق کیفری و تطبیق آن‌ها بر مصادیق تربیتی خواهد داشت. اساس دیدگاه اسلام پیرامون فلسفه مجازات و نحوه اجرای آن (که در سخنان امام راحل(ره) مشهود می‌باشد) بر پایه مصلحت و کمال فردی - اجتماعی استوار است؛ با این توضیح که مصلحت عامه در قلمرو وضع و اجرای قواعد حقوق کیفری، ناظر بر تربیت، اصلاح، بازپروری، بازدارندگی و حمایت از نظم عمومی خواهد بود؛ لذا مصلحت سنجی در باب تشریع و اعمال مجازاتی که مغایر با فایده مندی، کمال و سعادت (به گونه ای که منافع دنیوی و اخروی را پوشش ندهد) نظم و امنیت عمومی باشد و یا پرتو مفهوم بازپروری مجرمین و تربیت دو بعدی را پوشش ندهد؛ ایجاب می نماید تا از اجرای مقررات ناظر بر آن صرف نظر گردد. با ملاحظه منظومه فکری امام راحل(ره) در ارتباط با تبیین فلسفه مجازات و تشریع آن، رعایت اصول انسانی در اعمال ضمانت اجراهای کیفری، استنباط می گردد؛ بسیاری از آموزه هایی که به عنوان اصول پیشرفته و مدرن حاکم بر مجازات‌ها و حقوق کیفری محسوب می گردند؛ در ابعاد نظری و عملی اندیشه امام خمینی(ره)، تحت مفاهیم تجلی رحمت حق تعالی به انسان، تکریم فرد، کمال فردی و جمعی در پرتو مبانی تربیتی و سعادت آحاد جامعه بروز می نماید. گفتنی است برابر با اصول پنج گانه حاکم بر مجازات اسلامی و اجرای آن، عدالت کیفری ناظر بر سزادهی معقول، سنجیده و پیشگیرانه از صفت رحمت الهی بر انسان‌ها نشأت گرفته لذا چنانچه مفهوم عدالت فراتر از مفهوم صرف سزادهی در نظر گرفته شود و اعمال مجازات و سزا، مصداقی بارز و نمایان از برقراری عدالت اخذ گردد؛ در این صورت فلسفه تشریع مجازات از قبیل اصلاح و تربیت، بازپروری، بازدارندگی، حفظ نظم اجتماعی، برقراری تعادل و توازن فردی یا گروهی، تجلی مفهوم عدالت و عینیت خواهد یافت.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود. از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود. از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.



- معاونت پژوهش موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (۱۳۹۲)، قضا و قضاوت از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) چاپ و نشر عروج.

- نجفی توانا، علی (۱۳۹۰). جرم شناسی (با تجدید نظر و اضافات)، چاپ چهاردهم، تهران: نشر آموزش و سنجش.

- نیکزاد، عباس (۱۳۸۵). جایگاه مصلحت در بستر قانونگذاری حکومت اسلامی، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال ۹، شماره ۳۳.

- هادوی تهرانی، مهدی؛ معتضدی، مجید (۱۳۸۹). بررسی رویکرد قرآن کریم به مجازات، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، سال دوم، شماره ۷.

-

- خمینی، سید روح الله (۱۳۹۴)، ولایت فقیه، چاپ سی و دوم تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۹) صحیفه نور، (دوره ۲۲ جلدی) چاپ پنجم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج.

- خمینی، سید روح الله. تحریر الوسیله (۱۳۹۶)، ترجمه علی اسلامی، چاپ بیست و هشتم، قم: الجماعة المدرسین بقم المشرفه، موسسه النشر الاسلامی.

- سلیمی زارع، مصطفی (۱۳۸۶). کرامت انسانی در پرتو قرآن و روایات، فصلنامه بینات، سال ۱۳، شماره ۵۵.

- قمی، میرزا (۱۳۷۸). قوانین الاصول، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه

- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۳۸۳) بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع) - مجموعه ۲۵ جلدی - ترجمه موسی خسروی، تهران: انتشارات اسلامی



Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC, SID, Noormags,
Magiran, Ensani, GoogleScholar
www.jaml.ir
Second Year, Issue 12
, Pages 19-31

Explaining the educational position of punishing justice in the Islamic law system based on the intellectual system of Imam Khomeini (RA).

Dr. Hadi Jafarian

PhD in Jurisprudence and Islamic Law - Researcher of the Applied Research Office of the Police Command of Chekharmahal and Bakhtiari Province

Abstract

The paradigm of criminal justice is a model rooted in the Islamic jurisprudence system, with the approach of intelligent control of crimes and punishments within human societies and, accordingly, the establishment of criminal laws in order to realize and extract a desirable and efficient penal system in order to punish criminal acts and behaviors. is; Purpose: In view of the ultimate goal of punishment legislation (prevention of crime), therefore, based on the current developments in the justice process, the purpose of writing this essay is to understand the concept and philosophy of criminal justice legislation regarding punishment and also to explain the educational position of this topic in education. It will be Islamic jurisprudence and law. Method: This research is of documentary type and in line with the analysis of Imam Khomeini's opinion regarding the process of criminal justice based on punishment, the findings by referring to information sources in the field of criminal jurisprudence and the philosophy of punishment in the Islamic legal system based on human dignity. The utility, correction, education and rehabilitation of criminals have been compiled. Conclusion: In the thought system of Imam (RA), the punishment of the criminal is considered in the process of looking at him humanely and generously and on the basis of kindness and mercy towards him; From this point of view, the basis of punishment will not only be in conflict with his human dignity, but also with the purpose of educating the criminal and in the direction of reforming and resocializing him and laying the foundation for the happiness of the individual and the society.

Keywords: : punishing justice, education, reform, Imam Khomeini (RA).

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

* Corresponding author: jafarian1367@yahoo.com